

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۴/۷۱۹۰۳۴ رده بندی کنگره: ب ۶۹/۸۰۶۰

تحلیلی حقوقی رابطه بین دادگاه های ملی و دادگاه های بین المللی در امور کیفری

واحد خسروی

چکیده

دیوان کیفری بین المللی (ICC) در سال ۱۹۹۸ به عنوان نخستین دادگاه دائمی بین المللی جهت رسیدگی به جنایات بین المللی تشکیل شد و در حقیقت دیوان محصول تلاش هایی بوده که بعد از جنگ جهانی اول صورت گرفته است. دیوان کیفری بین المللی که اساسنامه آن در اجلاس رم به تأیید رسیده است دادگاهی است مکمل محاکم ملی اما قبل از آن پیرسیم معنای دقیق صلاحیت تکمیلی دیوان چیست و اساسنامه دیوان چه مکانیزمی را برای اعمال آن در نظر گرفته است، این نکته را نیز ناگفته نگذاریم که اصل صلاحیت تکمیلی دیوان نه تنها از سری کشورهای جهان سوم بلکه از سوی کشورهای جهان سوم نگرانی آنان از نقض حاکمیت ملی و دخالت قدرت های خارجی، ولو بین المللی، در امور مربوط به صلاحیت کیفری محاکم ملی بوده است. به هرصورت به عقیده حقوقدانان عرصه بین الملل دیوان کیفری بین المللی به منظور جایگزینی محاکم ملی طراحی نشده است بلکه تکمیل کننده آنها است این اصل تکمیلی مقرر می کند که دیوان کیفری بین المللی موقعی که تحقیقات و تعقیبی در سطح ملی انجام می شود صلاحیت نخواهد داشت. یک مسأله ای که غالباً در این سوی آتلانتیک به وسیله مخالفان دیوان مطرح می شود این است که حافظان صلح ممکن است به خاطر مأموریت های سخت بین المللی در دیوان محاکمه شوند. صلاحیت تکمیلی اصلی است که به موجب آن ارتباط دیوان کیفری بین المللی و دادگاه های ملی تبیین شده است. جهت اجرای این اصل ضوابط و معیارهایی پیش بینی شده است که به موجب آن ها تصمیم گرفته می شود یک پرونده در دیوان قابلیت پذیرش دارد یا خیر؟ بنابراین قابلیت پذیرش دعوا جنبه اجرایی صلاحیت تکمیلی محسوب می شود. در مقاله حاضر قصد

داریم به تحلیلی حقوقی رابطه بین دادگاه های ملی و دادگاه های بین المللی در امور کیفری بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی است و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها با بهره گیری و استفاده از روش فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: دادگاه بین المللی، مرجع قضایی صالح، صلاحیت تکمیلی، دیوان کیفری بین المللی، دادگاه های ملی

بخش اول: بررسی و شناخت مسئولیت کیفری بین المللی

مسئولیت کیفری در حقوق داخلی معمولاً با عبارت «قابلیت انتساب و اسناد عمل مجرمانه» تعریف می شود.^۱ اما منظور از مسئولیت کیفری بین المللی آن است که اگر یکی از تابعان حقوق بین الملل کیفری، مرتکب نقض یکی از قواعد حقوق بین الملل شود که نقض آن توسط جامعه بین الملل جرم و جنایت تلقی شده است، با وجود شرایط قانونی، مرتکب مجرم محسوب و مجازات خواهد شد.^۲ البته در اینجا لازم به توضیح است که اگر مرتکب، شخص حقیقی همچون کارگزاران و نمایندگان دولت باشد، اصولاً همان عوامل رافع مسئولیت کیفری که در حقوق داخلی رعایت می شوند، به دلیل وحدت ملاک و زائل کردن قابلیت اسناد و انتساب - به جز در موارد استثنایی- در خصوص مسئولیت کیفری بین المللی نیز لازم الرعایه هستند. برای مثال همان طوری که مجانین و صغار در حقوق داخلی به دلیل «عدم قابلیت اسناد و انتساب» مسئولیت کیفری ندارند، در حقوق کیفری بین المللی نیز فاقد مسئولیت کیفری بین المللی هستند. لیکن در خصوص اشخاص حقوقی این گونه عوامل بی مفهوم هستند. البته همواره از

^۱ هوشنگ شامبیانی: تقریرات درس حقوق جزای عمومی ۲، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، نیمسال اول سال تحصیلی ۸۶ - ۸۵، ص ۲.

^۲ صادق سلیمی، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین الملل و حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۷۶، ص ۲۵-۲۶.

سوی حقوقدانان، ایرادات متعددی به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و به خصوص دولتها وارد شده است،^۱ از قبیل:

الف: انتساب عمل مجرمانه به اشخاص حقوقی ممکن نیست، زیرا مسئولیت کیفری ناشی از تقصیر است و کسی می‌تواند مرتکب تقصیر جزایی شود که دارای اراده باشد و شخص حقوقی فاقد قصد و اراده مستقل است.

ب: قبول مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، مخالف اصل شخصی بودن مجازات است، زیرا وقتی مجازات را علیه شخص حقوقی اعمال می‌کنیم، در حقیقت مجازات علیه اعضای تشکیل‌دهنده آن اعمال می‌شود که در ارتکاب جرم هیچ‌گونه سمت و دخالتی نداشته‌اند.

ج: یکی از اهداف عمده مجازات اصلاح مجرم است و وضع و اجرای مجازات درباره اشخاص حقوقی (از جمله انحلال، تعطیل یا جریمه) فاقد چنین خصیصه‌ای است.

د: اگر به ماهیت و طبیعت مجازاتهای کیفری توجه کنیم، ملاحظه می‌کنیم که این مجازاتها طوری انتخاب شده‌اند که متناسب با اشخاص طبیعی (حقیقی) هستند، مثلاً شخص حقوقی را نمی‌توان اعدام یا زندانی کرد.^۲

البته در سالهای اخیر بر تعداد طرفداران قبول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی افزوده شده است و بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، اشخاص حقوقی را از لحاظ جزایی مسئول شناخته‌اند.

امروزه بر تعداد و نفوذ و اهمیت اشخاص حقوقی افزوده شده است و این اشخاص عملاً دست به ارتکاب انواع جرایم می‌زنند و نظم بین‌المللی را مختل می‌کنند؛ حتی شرکتهای بزرگ چند ملیتی در کشورهای محل استقرار، علاوه بر جرایم عمومی مثل کلاهبرداری یا احتکار یا رقابتهای غیرعادلانه، به جرایم علیه امنیت کشورها همچون سرنگون کردن حکومت قانونی یا ایجاد آشوب و بلوا یا کشتار جمعی

^۱ همان

^۲ محمداسماعیل افراسیابی، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، ج ۲، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۷، ص ۳۵.

الف: اشخاص حقوقی دارای قصد و اراده‌ای مستقل از اعضاء تشکیل دهنده خود هستند.

ج: هدف از اعمال کیفر و مجازات فقط اصلاح و تربیت مجرم نیست بلکه اعمال کیفر اهداف دیگری همچون تنبیه کردن و سزا دادن یا ارباب و ترسانیدن را نیز دارا است.

د: درست است که برخی از مجازاتهای کیفری فقط نسبت به اشخاص حقیقی قابل اعمال است، اما برخی از مجازاتها نیز فقط نسبت به اشخاص حقوقی قابل اجرا هستند، تعطیلی مؤسسه یا انحلال یا لغو پروانه.^۱

یکی از مشخصات عمدهٔ قرن بیستم، بین‌المللی کردن مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قضایی است. علت این امر توسعهٔ روزافزون روابط تجاری و همچنین معاشرت و اختلاط ملل مختلف با یکدیگر به علت تسهیلات در امر حمل‌ونقل و مسافرت است، جرم نیز از این تکامل برخوردار شده و می‌توان گفت امروزه جرم و جنایت «بین‌المللی» شده است.

بخش دوم: نگاهی به صلاحیت جهانی با تأسیس دیوان کیفری بین المللی

ترسیم رابطه اصل صلاحیت جهانی دادگاه های ملی و صلاحیت دیوان کیفری بین المللی از جمله مباحثی بوده که حتی قبل از تأسیس آن، توسط حقوق دانان مورد بحث قرار گرفته و همواره تأکید شده است که این دو نه به عنوان جایزین یکدیگر بلکه در کنار هم برای محازات جنایتکاران بین المللی باید

^١همان، ص ٣٥-٣٧.

به کار گرفته شوند. این مفهوم که دولت ها قرار است با تأسیس یک دادگاه کیفری بین المللی، کلیه اختیاراتشان را برای محاکمه و مجازات جنایات به آن وا گذار نمایند، قدری دور از واقعیت و به سختی قابل دفاع بوده و از حدود دو هفته قبل نیز راه حل های مبتنی بر تکمیلی بودن نظام قضایی ملی و دیوان کیفری بین المللی، معقول به نظر رسیده است.^۱ زیرا مشکلات تئوری و عملی فراوانی برای تأسیس یک دادگاه کیفری بین المللی با صلاحیت انحصاری وجود دارد و در راستای اصل حاکمیت دولت ها و رعایت منافع و امنیت آنها نمی باشد، ضمن این که مستلزم صرف هزینه بسیار و تأمین نیروی انسانی زیاد می باشد.^۲ بنابراین توجه به تمام این مشکلات، رهنمون شده است به اعمال اصل صلاحیت جهانی توسط دادگاه های ملی که به عنوان شکل خاصی از همکاری بین المللی دولت ها و در شرایط و اوضاع و احوال حاصل اعمال می گردد. البته در باره ی این که با تأسیس دیوان کیفری بین المللی، رونق یا رکود این اصل صلاحیتی مهم در پیش است، نظرات مختلفی از سوی حقوق دانان مطرح می باشد.

بند اول: رکود اصل صلاحیت جهانی

برخی از نویسندگان معتقدند، صلاحیت دیوان کیفری بین المللی و اصل صلاحیت جهانی در عین حال که نسبت به تعقیب و مجازات جنایات مهم بین المللی یعنی ژنو سید، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی قلمرو مشترکی دارند، اما در این زمینه به طور هم سنگ و هماهنگ عمل نمی نمایند و در اصل رویکرد های متفاوتی نسبت به یک مسئله مشابه دارند. چه یکی وابسته به اقدام یک جانبه و مستقل یک دولت بوده و دیگری مبتنی بر اقدام چند جانبه دولت ها با تأسیس یک دیوان کیفری بین المللی می باشد. بنابراین با توجه به این نا هماهنگی و نیز مشکلات و خطرات عدیده ناشی از اجرای صلاحیت جهانی، جامعه ی بین المللی باید صلاحیت جهانی را به نفع دیوان کیفری بین المللی کنار بگذارد.^۳ در

^۱ Graefrath, Bernhard, Universal Criminal Jurisdiction and an International Criminal Court, EJIL, vol. ۶۷(۱۹۹۰), pp. ۸۲-۸۴

^۲ Ibid

^۳ فضل فروغی، اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری داخلی و بین المللی، رساله دکتری رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تهران ۱۳۸۶، ص ۳۲۲.

واقع اصل صلاحیت جهانی به عنوان یک اقدام از سوی جامعه ی بین المللی متصور است که در صورت فقدان نهاد متولی آن، به دادگاه ملی واگذار می شود و حال با لازم الاجرا شدن اساسنامه رم، جامعه ی بین المللی برای اولین بار یک مرجع دائمی تأسیس نموده که نسبت به برخی جرائم که تا قبل موضوع اصل صلاحیت جهانی بوده اند، واجد صلاحیت می باشد و از این پس دیوان نسبت به دادگاه های اعمال کننده صلاحیت جهانی، در رابطه با رسیدگی به جنایات مندرج در اساسنامه ی رم، مرجع مناسب تری قلمداد می شود و به نحو مطلوب تری اقدام خواهد کرد، زیرا اختیارات و اقدامات بیشتری نسبت به دادگاه های ملی دارد و انجام رسیدی مؤثر تر از آن توقع می رود.^۱ اما در رابطه با جرایمی که مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین المللی نمی شوند، از جمله مواردی که نه در سرزمین و نه توسط اتباع دولت های عضو ارتکاب یافته اند و یا مربوط به قبل از لازم الاجرا شدن اساس نامه می شوند، ارتقای اعمال صلاحیت جهانی بسیار مهم و حیاتی است و باید به گونه ای توسط دادگاه های ملی تضمین شود که چنین جرایم بین المللی بی کیفر باقی نمانند.^۲ طبق این دیدگاه، دولت ها باید در رژیم صلاحیتی خود میان جنایات مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین المللی و سایر جرایم تفکیک قائل شوند و اعمال صلاحیت جهانی را محدود به موارد اخیر نمایند و در واقع با حذف صلاحیت جهانی به کار کرد دیوان تأثیر بیشتری خواهند بخشید. طرفداران این نگرش معتقدند که در سال های آتی، جهان به یک دیوان کیفری بین المللی قدرتمند و کارآمد نیاز خواهد داشت، این امر از یک سو مستلزم تشویق دولت ها خصوصاً دولت های بزرگ مانند آمریکا برای تصویب اساسنامه این دیوان و از سوی دیگر همکاری دولت های عضو با آن و همچنین اصلاح بعضی از مقررات اساسنامه از جمله اعطای صلاحیت جهانی به دیوان نسبت به تمام جرایم بین المللی می باشد.^۳ زیرا تا کنون تلاش های انجام گرفته برای پیش بینی چنین صلاحیتی برای دیوان نا موفق بوده است و حتی مسئله ی جایگزین های احتمالی برای آن نیز چندان قابل قبول به نظر نمی رسد.

^۱ Kleffner, Jann, the Impact of complementarity on National and International Criminal Law JICJ, No(۲۰۰۲), p ۱۰۵-۱۰۸

^۲ Ibid

^۳ آفروغی، پیشین، ص ۳۲۳.

بند دوم: تجدید حیات اصل صلاحیت جهانی

در مقابل ایده مبتنی بر حذف یا رکود صلاحیت جهانی، برخی معتقدند که اکنون در مرحله ای هستیم که ملازم بودن صلاحیت جهانی دادگاه های ملی و صلاحیت دیوان کیفری بین المللی برای ارتقای نظم حقوقی بین المللی مناسب به نظر می رسد. برای رسیدن به این هدف باید، صلاحیت کیفری دولت ها را به عنوان مبنا بگیریم و آن را با توسعه اصل صلاحیت جهانی و نیز تقویت همکاری های بین المللی در زمینه تهیه ادله و مدارک، دستگیری یا استرداد گسترش دهیم و در کنار آن دیوان کیفری بین المللی نه به جای و نه در رقابت دادگاه های ملی، اعمال صلاحیت نماید. در واقع این نگرش که صلاحیت جهانی دادگاه های داخلی و صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، جایگزین یکدیگرند متناسب با ضرورت جامعه بین المللی نیست و باید رویکرد صلاحیت جهانی همراه با صلاحیت کیفری بین المللی را پذیرفت. در عین حال آنها می گویند این دو صلاحیت نباید در عرض یکدیگر باشند بلکه دیوان کیفری بین المللی باید به عنوان یک مرجع عالی و دادگاه تجدید نظر به نقش خود در نظارت و هماهنگی اجرای صلاحیت جهانی توسط دادگاه های داخلی بپردازد.^۱ اگر چه پذیرش این نظر به طور کامل قدری بعید به نظر می رسد اما بر اساس تکمیلی بودن صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، حق تقدم در رسیدگی به جنایات بین المللی مشمول صلاحیت دیوان از آن دادگاه های ملی است و این امر باعث می شود که حریم اصل صلاحیت جهانی محاکم داخلی محفوظ بماند و نگاه اساسنامه در ایجاد موازنه میان صلاحیت ملی کشور های عضو و صلاحیت دیوان، باعث شده است که اهتمام دادگاه های داخلی به اصل صلاحیت جهانی بیش از پیش توسعه یابد.^۲ این امر در راستای تصریح مقدمه اساسنامه است که یاد آور شده است که این وظیفه هر یک از دولت هاست که صلاحیت کیفری خود را در مورد کسانی که مسؤول جرائم بین المللی هستند اعمال نماید. همچنین مطرح شده است که مقررات شکلی و ماهوی مندرج در اساسنامه رم، دارای این پتانسیل است که چالش های اخیر، درباره ی مؤثر بودن رسیدگی ها بر مبنای اصل صلاحیت

^۱ Graefrath, Bernhard, Universal Criminal Jurisdiction and an International Criminal Court, EJIL, vol ۶۷ (۱۹۹۰), pp ۸۵-۸۷

^۲ زمانی، پیشین، ص ۳.

⁷ Kamminga Menno , Final Report on the Exercise Universal Jurisdiction in Respect of Gross Human Rights Offences , International Law Association , London Conference , २००१ , pp.१

بخش سوم: بررسی مقایسه ای و تطبیقی ارتباط دادگاه های ملی و دادگاه بین المللی در امور کیفری

تشکیل یک دادگاه بین المللی، مسأله ارتباط این دادگاه با دادگاه های ملی مربوطه را در پی دارد. این که یک دادگاه بین المللی توسط دولت های پیروز در جنگ یا از سوی شورای امنیت سازمان ملل و یا به موجب یک معاهده چند جانبه بین المللی تشکیل شده باشد، وجود ارتباط آن با دادگاه های ملی را نفی نمی کند؛ زیرا در هر حال جنایات مورد نظر در قلمرو سرزمینی مشخص، توسط اتباع دولت یا دولت های معین و یا بر علیه اتباع یا منافع عمومی یک دولت واقع شده اند. هر یک از این عوامل موجبی است که دادگاه ملی کشورهای مختلف به سبب آن، خود را برای رسیدگی به جرایم واقع شده صالح می دانند. عدم توجه به صلاحیت دادگاه های ملی، به معنی بی توجهی و نادیده گرفتن حاکمیت دولت ها است. این موضوع از نظر ارتباطات بین المللی مشکلات خاص خود را در پی خواهد داشت. در صورتیکه مقررات دقیقی در این خصوص وضع نشود، دادگاه بین المللی از کارایی برخوردار نخواهد بود. از سوی دیگر، ممکن است دولت ها علی رغم اینکه به استناد اصل صلاحیت جهانی یا دیگر اصول حاکم بر صلاحیت ها برای رسیدگی به جنایات بین المللی، دادگاه های خود را صالح بدانند، ولی در عمل رغبتی به اعمال این صلاحیت ندارند. این بی رغبتی زمانی پر رنگ تر می شود که مبنای اعمال صلاحیت یک دولت، اصل صلاحیت جهانی است. یعنی جنایات ارتكابی مستقیماً بر علیه اتباع یا منافع آن کشور واقع نشده است، بلکه صرفاً بر اساس تعهدات بین المللی و به نمایندگی از کل جامعه جهانی ملزم به رسیدگی این جنایات می باشد. با توجه به مراتب مذکور، ارتباط بین دادگاه های ملی و بین المللی از یک سو باید با رعایت حاکمیت دولت ها و رعایت اصل عدم مداخله در امور داخلی آنها تبیین شود، از سوی دیگر، این رابطه باید به نحوی باشد که در مرحله ی اول دولت ملی را وادار به اعمال صلاحیت خود نماید. به عبارتی دیگر، دادگاه بین المللی باید به عنوان مرجع تکمیلی صلاحیت دادگاه های ملی و آخرین سازوکار ممکن برای برخورد با بی کیفری مجرمان بین المللی، قلمداد شود. آیا این موضوع در تمام دادگاه های بین المللی که تاکنون تشکیل شده اند مورد توجه قرار گرفته است یا خیر، مسأله ای است که نیاز به بررسی ارتباط دادگاه های ملی و بین المللی را ضروری می نماید. رابطه بین دادگاه های

بین المللی و دادگاه های ملی، موضوعی است که نه تنها در اساسنامه دیوان بلکه در اساسنامه تمام مراجع کیفری بین المللی قابل بحث و بررسی است، تا مشخص شود از نظر اعمال صلاحیت، ارتباط دادگاه های بین المللی با دادگاه های ملی چگونه است. نکته دیگر این که، صلاحیت موازی اختصاص به ارتباط دادگاه های ملی و بین المللی ندارد؛ بلکه چنین وضعیتی درمورد ارتباط میان دادگاه های داخلی دو یا چند کشور نیز مطرح است. این وضعیت صلاحیت موازی مراجع ملی را به وجود می آورد و موجب می شود که رسیدگی به جرمی در صلاحیت دو دادگاه ملی متفاوت قرار گیرد. بدیهی است هر کشوری بدون توجه به صلاحیت دادگاه سایر کشورها، جهت اعمال حاکمیت خود، صلاحیت محاکم مربوط را تعیین می نماید. در امور کیفری نظام مشخص جهت حل تعارض صلاحیت میان دادگاه های دو کشور وجود ندارد. بر همین اساس علاج این وضعیت، پیش بینی اجتناب از محاکمه مضاعف در معاهدات دو یا چند جانبه بیان شده است.^۱ در میثاق حقوقی مدنی و سیاسی به موجب بند ۷ ماد ۱۴ این راه حل پذیرفته شده است. دولت هایی که به این معاهده می پیوندند متعهد می شوند، چنانچه دادگاه کشور دیگری که میثاق یاد شده را پذیرفته، به جرمی رسیدگی کند، حکم صادره را معتبر بدانند. این راه حل جهت جلوگیری از محاکمه و مجازات مجدد پیش بینی شده است « باید تأکید کرد که این راه حل، راه حل تعارض صلاحیت نیست».^۲ زیرا ناظر به زمانی است که از محکمه دیگر حکمی صادر شده باشد. تنها اثر آن این است که از رسیدگی دوباره و ورود مجدد به ماجرا خودداری می شود. صلاحیت موازی دادگاه های بین المللی با دادگاه های ملی، نسبت به دادگاه های ملی با همدیگر، از مشکل کمتری برخوردار است. زیرا این مسأله معمولاً هنگام تدوین اساسنامه دادگاه های بین المللی مورد توجه است.

بخش چهارم: بررسی و تحلیل حقوقی ارتباط دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا با دادگاه های ملی

شورای امنیت سازمان ملل به استناد فصل هفتم منظور جنایاتی را که در قلمرو یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۱ و در کشور رواندا در سال ۱۹۹۴ دادگاه های بین المللی برای تعقیب اشخاص که مسؤول نقض

^۱- شریعت باقری، « صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین المللی » مجموعه مقالات، پیشین، ص ۵۴.

^۲- همان

فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی کرده بودند تشکیل نمود. اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و دادگاه رواندا با تصریح به صلاحیت موازی دادگاه بین‌المللی و محاکم ملی، مقرر نموده اند که رسیدگی در دادگاه بین‌المللی برتر و دارای اولویت است.

بند ۱ ماده ۹ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق چنین تدوین شده است:

«دادگاه بین‌المللی و محاکم ملی صلاحیت موازی برای تعقیب اشخاصی که مرتکب نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر دوستانه که در سرزمین یوگسلاوی سابق از تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۱ ارتکاب یافته است دارند» به موجب بند ۲ ماده مزبور: «صلاحیت دادگاه بین‌المللی مقدم بر صلاحیت محاکم ملی است. در هر مرحله ای از رسیدگی دادگاه بین‌المللی می‌تواند رسماً از دادگاههای ملی بخواهد که مطابق با اساسنامه حاضر و قواعد دادرسی و ادله دادگان بین‌المللی رسیدگی را به دادگاه بین‌المللی واگذار نمایند».

ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق مربوط به «اصل عدم جواز محاکمه مضاعف» است. بند ۱ این ماده مقرر کرده است که «شخصی که در دادگاه بین‌الملل به لحاظ ارتکاب عملی که به موجب این اساسنامه نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر دوستانه تلقی می‌شود محاکمه شده، در محاکم ملی به دلیل ارتکاب همان عمل نمی‌تواند محاکمه شود».

به موجب بند ۲: «شخصی که در یکی از محاکم ملی به دلیل ارتکاب اعمالی که نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است محکوم شده است تنها در موارد ذیل می‌تواند در دادگاه بین‌المللی محاکمه شود»: الف- عملی که به دلیل ارتکاب آن مورد محاکمه قرار گرفته جرم عادی تلقی شده است، یا

ب- دادگاه ملی رسیدگی کننده بی‌طرف و مستقل نبوده، و به منظور رهایی متهم از مسئولیت کیفری بین‌المللی عمل کرده و یا موضوع به طور جدی مورد تعقیب واقع نشده است.

نظیر همین مقررات در اساسنامه دادگاه رواندا (مواد ۸ و ۹) نیز تکرار شده است. این نکته حائز کمال اهمیت است که برتری صلاحیت دادگاههای یوگسلاوی سابق و رواندا نسبت به محاکم ملی زمانی عملی خواهد بود که دولتها به موجب قوانین ویژه ای مقررات اساسنامه ای مذکور را به حقوق داخلی خود

| ۱۲

جنایات مورد نظر صلاحیت دارند، اما مساله مهم این است که برای دادگاه‌های بین‌المللی یک نوع «تفوق» در صلاحیت پیش‌بینی شده است. تفوق در صلاحیت به این معنی است که هر وقت دادگاه صالح بین‌المللی تقاضا کند که به یک پرونده رسیدگی نماید دادگاه ملی باید رسیدگی را به این دادگاه واگذار نماید.^۱ محور تعادل و تعیین کننده ارتباط بین دادگاه‌های بین‌المللی و ملی اصل حاکمیت است، هر چه حاکمیت یک دولت قوی تر باشد نقش کمتری برای دادگاه‌های بین‌المللی قابل تصور است. اصل صلاحیت موازی با تفوق دادگاه‌های بین‌المللی که در اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا پیش‌بینی شده است، تا حد زیادی متاثر از وضعیت حاکمیت این کشورها است. دولت صربستان و دیگر دولتهایی که به عنوان جایگزین دولت یوگسلاوی سابق مطرح بودند، تمایلی برای تعقیب و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی نداشتند. حکومت رواندا نیز که بعد از نسل‌زدایی سال ۱۹۹۴ کاملاً منقرض شده بود، توان این کار را نداشت. در نتیجه عدم امکان تعقیب جنایتکاران از سوی این دولت‌ها به علت فقدان تمایل یا ضعف و ناتوانی آنان، سبب شد که شورای امنیت سازمان ملل برای رسیدگی به جنایات واقع شده در این کشورها دادگاه بین‌المللی بین حاکمیت دولت‌ها و صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی، به سمت دادگاه‌های بین‌المللی متمایل شود و اصل حاکمیت موازی با تفوق این دادگاه‌ها پذیرفته شود. در حالیکه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که تشکیل آن مبتنی بر وضعیتی همانند دادگاه‌های فوق نیست و اساسنامه آن در یک بستر آرام‌تر تدوین شده است، یعنی در وضعیت‌های بحرانی تدوین نشده، باید محور تعادل بنحوی تنظیم گردد که دولت‌ها تمایل به امضاء و نهایتاً تصویب اساسنامه را داشته باشند، در نتیجه ارتباط بین دادگاه‌های ملی و دیوان با پذیرش «اصل صلاحیت تکمیلی» بنحو متعادل‌تری تنظیم شده است.

بخش پنجم: تحلیل و واکاوی حقوقی منع محاکمه مجدد به اعتبار رای محاکم ملی

کسی که برای ارتکاب عملی که به موجب مواد ۶، ۷، ۸ اساسنامه دیوان جرم محسوب شده است، توسط دادگاه دیگری محاکمه شده باشد، در دیوان کیفری بین‌المللی برای همان رفتار محاکمه نخواهد شد این اصل کلی در بند (۳) ماده ۲۰ اساسنامه دیوان، بند (۲) ماده ۹ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، بند (۲)

^۱ <http://mehdidarabzadeh.blogfa.com/post-۱۶.aspx>

بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان.

impartially

باشد. «تصمیم در مورد این شرایط مندرج در قسمت های (الف) و (ب) بند (۳) ماده ۲۰ اساسنامه اعمال شده است یا نه، به عهده دیوان است نه دادگاه های ملی»^۱. این وضعیت در مورد اساسنامه دادگاه های یوگسلاوی و روندا نیز وجود دارد. هدف از پیش بینی شرایط فوق، جلوگیری از استناد ناروا به قاعده منع محاکمه مجدد است، به نحوی که ممکن است در غیر این صورت، قاعده مورد بحث بهانه ای برای رهایی مرتکبان جنایات مهم بین دالملی از مسئولیت کیفری شود. یعنی دادگاه های داخلی با هدف رهایی مرتکبان از مسئولیت بدون رعایت معیار های صحیح دادرسی به صورت صوری مرتکبان را تعقیب کنند. در جریان مباحث مطرح در کمیته مقدماتی، این کمیته مصمم بود که اصل منع محاکمه مجدد به نحوی تفسیر گردد تا به جنایتکاران امکان فرار از محاکمه مفید را ندهد.^۲ لذا منطق بکار رفته در تدوین این مقررات نوعی حمایت در برابر عواقب استناد به اعتبار مختومه تلقی می شود.^۳ به بیان دیگر از عواقب سوء استناد به اعتبار امر مختومه با هدف رهایی مجرمین از محاکمه صحیح جلوگیری شده است. ارزیابی اعتبار رای صادره در دادگاه ملی صلاحیت دار، بستگی به ماهیت تصمیم صادره دارد. با توجه به توصیفی که دادگاه ملی از اعمال ارتكابی دارد، دو وضعیت قابل تصور است. نخست اینکه، عملی که متهم در دادگاه ملی به اتهام آن محاکمه شده، یک جرم بین المللی توصیف شده است. بعضی از کشورها قوانین داخلی خود را در خصوص جرم انگاری جنایات بین المللی با معیار های پیش بینی شده در اسناد بین المللی تنظیم و تصویب کرده اند.^۴ یعنی جنایات بین المللی از جمله نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی با همان اوصاف و شرایطی که در کنوانسیون های مربوطه یا اساسنامه دیوان پیش بینی شده است به موجب مقررات داخلی جرم انگاری شده اند. چنانچه اعمال ارتكابی در دادگاه های داخلی بهنج موجب مقررات فوق مورد تحقیق و تعقیب و محاکمه قرار گیرند، یعنی مرتکبان به همان عناوین جنایات بین المللی مثل نسل زدایی، جنایات علیه بشریت یا جنایات جنگی محاکمه شوند، در صورت

^۱ Van den wyngaert,Christine , op.cit.p.۲۲۴.

^۲ Solera,Oscar,op.cit.p.۱۵۱.

^۳ S.ellis,mark, the international criminal court and its implication , florida journal law , vol.۱۵.۲۰۰۲.p.۳۱۱.

^۴ از جمله این کشورها فرانسه است که در قانون مجازات سال ۱۹۹۲ جرایم نسل زدایی و جنایات علیه بشریت را با توجه به شرایط پیش بینی شده برای این جرایم در اسناد بین المللی تنظیم نموده است. مواد ۱-۲۱۱ و ۲-۲۱۱ و ۳-۲۱۱ در بخش نخست کتاب دوم این قانون اختصاص به جرم انگاری جنایت نسل زدایی و جنایات علیه بشریت و تعیین شرایط تحقق این جنایات دارد.

١٦ |

محسوب می گردد^۱. به عبارت دیگر وقتی که یک مرجع ملی، جنایتی را که مورد اهتمام جدی تمامی جامعه بین المللی است، تحت عنوان «جرم کم اهمیت» مورد تعقیب قرار می دهد، باید فرض را بر آن گذاشت که هدف آن مرجع، خلاصی مرتکب آن جنایت از اجرای عدالت بوده است و به همین علت دادگاه یوگسلاوی سابق یا دادگاه رواندا می توانند وارد عمل شوند^۲. لذا چنانچه در یک نظام داخلی جرایم مورد نظر به دیده اهمیت مورد توجه قرار گرفته باشند و مجازات متناسب مطابق موازین بین المللی برای آن ها در نظر گرفته شده باشد، نمی توان به این استناد این که در یک نظام داخلی جرج تلقی شده اند، در دادگاه های یوگسلاوی ستیق و رواندا از قاعده منع محاکمه مجدد عدول شود. پذیرش این استدلال در مورد اساسنامه دیوان به مراتب سهل تر است؛ زیرا برخلاف آنچه در مورد اساسنامه دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا گفته شد، در اساسنامه دیوان مقررات مشابه پیش بینی نشده است و اطلاق قاعده منع محاکمه مجدد در این مورد قابل استناد است. علاوه براین در تایید این مساله یعنی عدم امکان محاکمه مجدد کسی در دیوان، که به اتهام جرایم معمولی در دادگاه های داخلی محاکمه شده است، گفته شده که با توجه به اینکه بر خلاف بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه که به جرایم موضوع ماده ۵ اساسنامه اشاره کرده، در بند (۳) ماده فوق به مواد ۶ و ۷ و ۸ که مصادیق جنایات در صلاحیت دیوان در آنها درج شده است، اشاره می کند. دلیل این امر شاید این باشد که سایر محاکم از جمله دادگاه های ملی کشور ها تنها از رسیدگی به چهار عنان مجرمانه مذکور در ماده ۵، یعنی نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز ارضی، در صورتی که این عناوین قبلا در دادگاه کیفری بین المللی علیه فرد مورد نظر مورد رسیدگی قرار گرفته باشند، منع شده اند، در حالی که دادگاه کیفری بین المللی از رسیدگی به مصادیق مذکور در مواد ۶ و ۷ و ۸ (که بسیار متعدد می باشند) در صورتی که هر یک از این مصادیق (از قبیل قتل، ایراد جراحت شدید، ریشه کن کردن، به بردگی گرفتن، حبس، جرایم شدید جنسی، ناپدید کردن اجباری، تبعیض نژادی، گروگان گیری و غیره) قبلا در محکمه دیگری از جمله در دادگاه داخلی، مورد رسیدگی قرار گرفته منع شده است^۳. بنابراین اگر کسی به خاطر یکی از اعمالی که در

^۱ حسین میر محمد صادق، اعتبار مخومه در اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۹۳.

^۲ کیتی شیای زری، کریانگ ساک؛ پیشین ص ۵۳۹.

^۳ میر محمد صادقی؛ پیشین، صص ۹۲-۹۱.

نتیجہ گیری

^۱ بند (۳) ماده ۷۸ اساسنامه دیوان مقرر داشته در صورت تعیین مجازات حبس، دیوان موظف است اگر محکوم علیه بر اساس دستور آن مرجع مدتی در بازداشت بوده آن را احتساب و از مدت حبس کسر کند. دیوان می تواند هر مدتی را که محکوم علیه به نحو دیگری در ارتباط با ارتکاب عمل مرتبط با «آ» جرم، در توقیف بوده نیز از مدت حبس وی کسر کند.»

صلاحیتی خویش آگاه باشد. در حقوق بین الملل، مأخذی که فرآیند احراز و اعمال صلاحیت دیوان را نشان دهد، وجود ندارد و تنها بر پایه یک سری از اصول حقوقی داخلی برگرفته از عقل سلیم، مجموعه هایی برای احراز صلاحیت تدوین شده است. البته باید توجه داشت صلاحیت شخصی دیوان بین المللی دادگستری، تنها محدود به کشور ها است و افراد و سازمان های بین المللی مجاز نیستند که اختلاف خود را به دیوان ارجاع دهند. البته افراد توسط کشوری که تابعیت آن را دارند قادر به طرح دعوا هستند که در این فرض نیز کشور متبوع فرد، جانشین او در طرح دعوا خواهد بود. سازمان های بین المللی نیز با توجه به شرایطی خاص، امکان تقاضای صدور نظر مشورتی را دارند. باید توجه داشت نظر مشورتی دیوان بر خلاف آرای که در زمینه ترافی صادر می کند الزام آور نیست، مگر این که در این زمینه از قبل شرط خلاف آن شده باشد. با وجود این، معمولاً ارکان سازمان و همچنین، سازمان های بین المللی دیگر از نظرات مشورتی دیوان تبعیت کرده و بدین صورت نظرات مشورتی در حل و فصل اختلافات، مفید واقع شده اند. در نهایت باید توجه داشت و این نتیجه مهم را از تمامی مطالب مذکور گرفت که بر اساس اصل «صلاحیت تکمیلی»، در فرض اقدام دولت ها دیوان حق مداخله ندارد. لیکن هر اقدامی هم کافی نیست. بنابر رویه دیوان، دولت ها تنها در صورت اقدام کردن نسبت به «همان پرونده ای» که دیوان برای تعقیب برگزیده، مانع از اعمال صلاحیت دیوان خواهند شد. به موجب اصل صلاحیت تکمیلی، قرار نیست دیوان با دادگاه های ملی رقابت کند و یا جایگزین آن ها شود، بلکه این اصل به تضمین این مهم تأکید دارد که جنایت نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی به عنوان جنایات مشمول صلاحیت دیوان بین المللی کیفری بدون کیفر یا مجازات نخواهد ماند. در پایان لازم به ذکر است که دیوان کیفری بین المللی فقط درخصوص جرایمی که پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه به وقوع پیوسته -اند صلاحیت دارد. درخصوص صلاحیت شخصی دیوان بر اساس ماده ۱۱ اساسنامه، دیوان فقط صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص را دارد در نتیجه مسئولیت کیفری دولتی در آن قابلیت رسیدگی ندارد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- افراسیابی، محمداسماعیل، حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، ج ۲، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۹۵.
- ۲- براتی، شهرام، صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین المللی (ICC)، حقوق پژوهش حقوق و سیاست « پاییز و زمستان ۱۳۸۲ - شماره ۹
- ۳- بوسار، اندرو: بزهکاری بین المللی، مترجم: نگار رخشانی(تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۸.
- ۴- جوانمرد، بهروز، دیوان کیفری بین المللی؛ پایان یلدای مصونیت جنایتکاران، نشریه قضاوت - شماره ۶۶
- ۵- چاوشی، فریده سادات؛ « جنایات و صلاحیت در دیوان بین المللی کیفری» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران سال ۱۳۷۹.
- ۶- خزانی منوچهری؛ تقریرات حقوق جزای بین المللی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴.
- ۷- دیهیم، علیرضا، درآمدی بر حقوق کیفری بین المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۸۴.
- ۸- رابرتسون، جفری؛ جنایت علیه بشریت، ترجمه گروه پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، زیر نظر دکتر حسین میر محمد صادقی، چاپ نخست، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۳.

- ۹- رنجبریان، امیر حسین. قانون ۱۹۹۹-۱۹۹۳ بلژیک، رای ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین المللی دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۸، (۱۳۸۱).
- ۱۰- شریعت باقری، محمد جواد، حقوق بین الملل کیفری، انتشارات جنگل، ویرایش اول، چاپ نهم، ۱۳۸۸
- ۱۱- شامبیاتی، هوشنگ؛ تقریرات درس حقوق جزای عمومی ۲، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، نیمسال اول ۱۳۹۲.
- ۱۲- صادق، هادی، مبانی تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی و صلاحیت‌های آن، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۷
- ۱۳- طهماسبی، جواد، صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، تهران، جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- ۱۴- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد پنجم، چاپ رودکی.
- ۱۵- غفرانخواه، امیر، «بررسی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به دُول غیرمتعاقد»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق، دانشکده علوم انسانی-دانشگاه تبریز، ۱۳۹۰.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر؛ اعتبار قضیه محکوم بها در امور مدنی، چاپ ششم، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- ۱۷- میر عباسی، سید باقر مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۸۶
- ۱۸- میر محمد صادق، حسین؛ اعتبار مختومه در اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، شماره ۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

ب) منابع لاتین

- ۱- Arbour , Louis will the ICC have an Impact on Universal Jurisdiction , JICJ , No. op. cit(۲۰۱۴) , pp. ۵۸۶- ۵۸۷
- ۲- A.WILLIAMS,SHARON,"ARTICLE ۱۷, ISSU PF ADMISSIBILITY" ,IN THE TRIFFTERER (EN), OTTO, OP.CIT.P. ۳۸۷.
- ۳- Cassese Antonio, Gaeta Paola and Jones John R.W.D, The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary, Vol. ۱, Oxford University Press, Oxford, ۲۰۰۲, p. ۶۷۶.
- ۴- Cherif BASSIOUNI, International criminal Court, Compliation of United Nations Documents and Draft ICC Statute before the Diplomatic Conference NPWJ, ۱۹۹۸, P. ۶۶۷- ۶۷۴.
- ۵- Draft statute for an International criminal court prepared by the International law commission, o. cit.
- ۶- Graefrath , Bernhard , Universal Criminal Jurisdiction and an International Criminal Court , EJIL , vol. ۶۷(۲۰۲۲) , pp. ۸۲- ۸۴
- ۷- International Criminal Court , Compliation of United Nations Documents and Draft ICC Statute before the Diplomatic Conference, NPWJ, ۱۹۹۸.
- ۸- Kleffner , Jann , the Impact of complementarity on National and International Criminal Law JICJ , No (۲۰۱۷) , p . ۱۰۷
- ۹- Luigi condorelli,Santiago villa pando,op.cit,p. ۶۳۷- ۶۳۸.
- ۱۰- Meron , Theodor Humanization of International Law The Hague Academy of International Law , Martinus Nijhoff Publisher , Hague, (۲۰۱۸) , p. ۱۱۸.

- ۱۱- Report of the ad hoc committee on the establishment of an international criminal court ,united national general assembly official records , fiftieth session ,supplement no. ۲۲,a/۵۰/۲۲(۲۰۲۱) para. ۲۹-۵۱.
- ۱۲- Report of the ad hoc committee on the establishment of an international criminal court,U.N.GARO,۵۰the sess,supp.no ۲۲ U.N.DOC.A\۵۰\۲۲(۱۹۹۵)
- ۱۳- Report of the preparatory committee on the establishment of an international criminal court,volum I (proceeding of the establish of the prepatory committee during march-april and august ۱۹۹۶)undoc no. ۲۲a/۵۰/۲۲,pp. ۳۶- ۴۱.
- ۱۴- Solera,Oscar,"complementary jurisdiction and international criminnal justice",ricr mars irrc march, ۲۰۰۲ vol. ۸۴no ۸۴۵.p. ۱۴۳.
- ۱۵- See: A. Williams, Sharon, 'jurisdiction Ratione Temporis ', in the Trifferer (ed) otto, Commentray
- ۱۶- T. Holmes, john, 'the priuciple of complementarity" In the Roy. S. Lee. OP. Cit. PP. ۵۱- ۵۶.

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه

مستور گواهی نامه معتبر
پذیرش و ارائه مقاله
(با عنوان برجسته و هوشیارانه مخصوص)

پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

www.Olomensani.ir www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

- تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی
- علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
- روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی
- علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))











